

چشم انداز امید بخش اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت*

مترجم: محسن طلایی

تلاشهای اوپک برای افزایش قیمت‌های نفت خام، این امکان را فراهم آورده است که برای اکثر کشورهای خاورمیانه، سال ۱۹۸۶ با خاطره‌ای دلگرم‌کننده به پایان رسد.

اگر گردانندگان اوپک بر اجرای برنامه خود برای بازگشت به سوی یک نظام قیمت ثابت برای نفت بر پایه هر بشکه ۱۸ دلار پابرجا بمانند، سال ۱۹۸۷ باید سال بهبود اقتصادی معتدلی باشد. این امر برای کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه این فرصت را فراهم خواهد آورد که از سیاستهای شدیداً انقباضی اتخاذ شده از پایان سال ۱۹۸۵، یعنی زمانی که قیمت نفت کاهش شدید خود را آغاز کرد بکاهند؛ ضمن اینکه برای خارجیان که سلامت اقتصادی منطقه خاورمیانه را اساساً "متکی بر تقویت بازارهای جهانی نفت می‌دانند، اطمینان خاطر مجددی خواهد بود.

دلایل و پیامدهای سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ - بزرگترین کاهش قیمت در تاریخ صنعت نفت - هنوز هم کاملاً "شناخته شده نیست. برخی از تحلیلگران استدلال می‌کنند که "استراتژی دفاع از بازار" به وسیله اوپک، اشتباه بوده و منافع بسیار ناچیزی را در پی خواهد داشت، در حالی که اکثر تحلیلگران با این استدلال موافق نیستند. اما به نظر نمی‌رسد که اوپک، هنگامی که سیاست مزبور را در دسامبر ۱۹۸۵ اتخاذ کرد، روند وقایع را آن‌گونه که در شش ماه بعد اتفاق افتاد، در تصور داشت.

قیمت بازار آزاد نفت خام سبک اعراب، در پایان سال ۱۹۸۵، در حدود بشکه‌ای ۲۸ دلار بود. در آوریل ۱۹۸۶، در نتیجه تصمیم اوپک مبنی بر آزادی اعضا برای به دست آوردن مجدد سهم خود در بازارهای نفتی از طریق تولید بیشتر، قیمت‌ها به حدود بشکه‌ای ۱۲ دلار کاهش یافت. و در ماه ژوئیه زمانی که قیمت نفت خام به بشکه‌ای ۸ دلار کاهش یافت، به پایین‌ترین نقطه خود رسید.

زمانی که برای اولین بار طی مدت زمانی بیش از ۷ سال، قیمت هر بشکه نفت خام به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت، ناامیدی برخی از دولتهای عضو اوپک و سایر صادرکنندگان نفت، آغاز شد. تا

* "Hopes for recovery hang on OPEC's resolve." *MEED*, (20 Dec. 1986)

بهار سال ۱۹۸۶، فشار اعضا برای برقراری سیاست محدود نمودن تولید نفت خام در داخل اوپک - مخصوصاً " در مورد دو کشور عربستان سعودی و کویت - افزایش یافت. مع هذا در پایان تابستان سال ۱۹۸۶ بود که اوپک در زمینه هماهنگی سیاستهای تولیدی تمام اعضای خود، به استثنای عراق، به توافق دست یافت.

هنوز خیلی زود است که درباره دستاوردهای اعضای اوپک در سال ۱۹۸۶، چه به صورت جمعی و چه به صورت انفرادی، سخن گفت. در کوتاه مدت، همه اعضای سازمان با از دست دادن درآمدهای صادراتی خود، هزینه سنگینی را پرداخت کرده اند. برای برخی از آنها درآمدهای ارزی، اندکی بیش از ۵۰ درصد درآمدهای نفتی سال ۱۹۸۵ خواهد بود. حتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، دولتهایی که نسبتاً "بهترین وجه از آثار کاهش قیمتتها مصون ماندند نیز، خسارات بلافاصله‌ای متحمل شدند. برآورد می شود که حساب جاری تلفیقی کشور عضو شورای مزبور، برای اولین بار پس از تأسیس این شورا در سال ۱۹۸۱، در سال ۱۹۸۶، دارای کسری هنگفتی باشد.

در حقیقت در سال ۱۹۸۶، تنها سه اقتصاد عمده منطقه خاورمیانه، روندهای مثبتی را در تراز پرداختهای خود تجربه کردند. برآورد می شود که عربستان سعودی بهترین بهبود را دارا بوده است. کاهش شدید واردات که با افزایش شدید حجم صادرات نفت خام این کشور همراه شده به پادشاهی سعودی اجازه داد تا کسری حساب جاری عربستان را به میزان بیش از $\frac{1}{3}$ کاهش دهد. در میان سایر کشورها، برآورد می شود که تنها رومهای حساب جاری دو کشور اردن و مراکش بهبود یافته است. که بازتابی است از تأثیر اقداماتی که سابق بر این برای مقابله با مسائل تراز پرداختهای آنها انجام پذیرفته بود.

تنها دو اقتصاد عمده منطقه خاورمیانه - امارات المتحده عربی و کویت - در سال ۱۹۸۶ مازاد حساب جاری داشته اند. براساس برآوردهای "مید" کسری حساب جاری تلفیقی ۱۶ کشور اصلی خاورمیانه که در سال ۱۹۸۵، بیش از ۱۰ میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۸۶ به رقمی بیش از ۲۲ میلیارد دلار افزایش یافته است.

در دفاع از سیاست اوپک گفته می شود که قیمتتهای پایین تر نفت، به عدم تمایل به صرفه جویی انرژی و بازگشت مصرف کنندگانی که از مصرف نفت روی برتافته بودند کمک خواهد کرد و موجبات تقویت کشورهای مصرف کننده را فراهم کرده و سرانجام موجب مصرف بیشتر نفت خام می شود. برخی در مورد تأثیر شدید تغییرات قیمت نفت در کوتاه مدت مشکوک هستند، اما برآورد می شود که مصرف نفت و گاز طبیعی مایع جهان در سال ۱۹۸۶، ۵۰ درصد افزایش یافته است. منصفانه است که فرض شود دست کم بخشی از این افزایش، به دلیل قیمتتهای پایین تر نفت بوده است.

تأثیر کامل سیاست مزبور بر تولیدکنندگان نفت، در پایان دهه جاری روشنتر خواهد بود.

زمانی که اکثر تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند به دلیل افزایش تقاضای نفت خام و کاهش حجم ذخایر نفتی‌ای که در حال حاضر در حداکثر ممکن خود قرار دارد، فشار فزاینده و مستمری برای افزایش قیمت‌ها وجود خواهد داشت. مع‌هذا، مازاد قابل توجه ظرفیت تولید نفت، احتمالاً "تا دهه ۱۹۹۰ همچنان وجود خواهد داشت، تا این زمان خطرکود موقتی و موضعی قیمت‌های نفت خام بسیار واقعی است.

لذا، برای پنج سال آینده، تولیدکنندگان نفت خاورمیانه زیر فشار خواهند بود که از میزان نفت خامی که ممکن است برای تأمین نیازهای اقتصاد داخلی و هدف‌های سیاسی خود نیاز داشته باشند

خلاصه تراز پرداخت‌های کشورهای منتخب خاورمیانه / ۸۶-۱۹۸۵
(ارقام به میلیون دلار - ارقام پیش‌بینی شده سال ۱۹۸۶ در خارج پرانتز است)

نام کشور	صادرات	واردات	تراز بازرگانی	حساب جاری ارزی
الجزایر	۸۳۰۰	۸۰۰۰	+۳۰۰	-۱۵۰۰
بحرین	(۱۳۰۰۰)	(۹۵۰۰)	(+۳۵۰۰)	-۲۰۰
مصر	۸۵۰	۱۰۵۰	-۲۰۰	-۵۰
ایران	(۱۰۵۷)	(۱۱۷۹)	(-۱۲۲)	(+۲۳۰)
عراق	۲۸۰۰ ^(۱)	۱۰۰۰۰	-۷۲۰۰	-۳۲۰۰
اردن	(۳۴۰۰) ^(۲)	(۱۰۰۰۰)	(-۶۶۰۰)	(-۲۳۰۰)
کویت	۹۰۰۰ ^(۱)	۹۰۰۰	۰	-۱۸۰۰
لیبی	(۱۷۰۰۰) ^(۲)	(۱۵۰۰۰)	(+۲۰۰۰)	(۱۵۰۰)
سعودی عربستان	۶۳۴۰	۴۷۰۰	+۱۶۴۰ ^(۳)	-۵۰۰۰
عمان	(۱۰۳۰۰)	(۹۴۴۰)	(+۸۴۰)	(-۵۰۰۰)
قطر	۳۴۰	۹۰۰	-۵۶۰	-۹۰
یمن	(۳۱۱)	(۱۰۷۳)	(-۷۶۲)	-۱۰۰
کویت	۵۸۰۰	۵۰۰۰	+۸۰۰	+۱۱۰۰
عمان	(۱۰۹۷۹)	(۵۳۶۲)	(+۵۶۱۷)	(+۵۶۱۸)
سودان	۴۵۰۰	۵۰۰۰	+۵۰۰	-۲۵۰۰
عمان	(۸۵۰۰)	(۶۸۰۰)	(+۱۷۰۰)	(-۹۲۰)
عمان	۲۲۹۰	۳۱۷۶	-۸۸۶	-۲۲۰
عمان	(۲۱۶۱)	(۳۵۶۹)	(-۱۴۰۸)	(-۹۸۸)
عمان	۱۱۰۰	۱۰۴۵	۵۵	-۳۴۵
عمان	(۱۷۱۷)	(۱۱۶۲)	(+۵۵۵)	(+۳۸)

دنباله جدول

نام کشور	صادرات	واردات	تراز بازرگانی	حساب جاری ارزی
قطر	۱۶۱۰	۱۰۶۰	+۵۵۰	-۶۵۰
	(۳۱۰۰)	(۱۱۵۲)	(+۱۹۴۸)	(+۴۱۳)
عربستان سعودی	۲۴۰۰۰	۱۶۳۰۰	+۷۷۰۰	-۸۰۰۰
	(۲۷۹۱۷)	(۲۰۳۶۴)	(+۷۵۵۳)	(-۱۲۹۶۵)
سوریه	۱۲۰۰	۳۲۰۰	-۲۰۰۰	-۹۰۰
	(۱۸۰۰)	(۳۸۰۰)	(-۲۰۰۰)	(-۹۰۰)
تونس	۱۴۰۰	۲۴۰۰	-۱۰۰۰	-۶۵۰
	(۱۷۲۰)	(۲۵۳۰)	(-۸۱۰)	(-۵۳۶)
ترکیه	۷۳۰۰	۱۱۰۰۰	-۳۷۰۰	-۱۳۰۰
	(۸۲۵۵)	(۱۱۲۳۰)	(-۲۹۷۵)	(-۱۰۱۳)
امارات متحده عربی	۹۸۰۰	۶۳۰۰	+۳۶۰۰	+۲۴۵۰
	(۱۴۷۵۸)	(۶۴۰۰)	(+۸۳۵۸)	(+۷۰۸۰)

(۱) / ۱۹۸۶/۸۷

(۲) / ۱۹۸۵/۸۶

(۳) / به استثنای خریدهای اسلحه

مأخذ: برآورهای مجله "مید"

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نفت خام کمتری استخراج کنند. حتی برای ثروتمندترین کشورهای خلیج فارس، منابع محدود خواهد بود، و اولویتها نیز به ناچار باید تعیین شود.

در سراسر منطقه خلیج فارس، این فرایند از قبل شروع شده است. به هر ترتیب تمامی کشورهای خاورمیانه در سال ۱۹۸۶، ناچار شده اند با مسائل و مشکلات زیر مقابله کنند:

مخارج عمومی افسار گسیخته، رونق نفتی، کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه را به طور مستقیم منتفع ساخت و همچنین اکثر کشورهای غیرتولیدکننده را به طور غیرمستقیم و از طریق انتقال منابع به شکل کمک و حواله های ارزی از سوی دولتهای صادرکننده نفت، بهره مند کرد. در موتور توسعه اقتصادی کشورها، این منابع، سوختی را تشکیل می داد که بیشتر آنها از طریق هزینه های عمومی تأمین شد.

یک نتیجه غیرمستقیم این فرایند، ایجاد دیوانسالاری دولتی وسیعی بود که سهم بالایی از نیروی کار ملی این کشورها را - گاه اکثریت آن را - در برنامه توسعه اداری به استخدام گرفته است.

به دلایل متعدد - نظیر کمبود مهارت‌های مدیریتی، سرعت توسعه و ضعف موقعیت چانه‌زنی آنها در معاملاتشان با شرکتهای بین‌المللی - تمامی کشورهای منطقه در حال حاضر شکایت دارند که آنچه به دست آورده‌اند، در مقابل پولی که هزینه کرده‌اند، بسیار ناچیز است.

کاهش قیمت نفت، بحران مخارج عمومی را تشدید کرده است. در سراسر منطقه، کسری بودجه‌هایی به سختی نیز قابل اداره هستند، میزاث سالهای رونق است. دولتهای خاورمیانه، از طریق محدود کردن رشد دیوانسالاری دولتی، تلاش برای ایجاد مدیریتی کارا و حذف و عقلایی کردن مخارج عمومی، بویژه کاهش میزان سوبسیدها، در جستجوی راه‌حلهایی به منظور مقابله با این مشکل هستند.

وابستگی شدید به صادرات یک محصول، پیشرفت قابل توجهی در بسط و گسترش صنایع صادراتی جدید صورت پذیرفته است. اما اکثر کشورهای خاورمیانه همچنان به شدت به فروش نفت و گاز وابسته مانده‌اند. در حال حاضر توجه آنها گرداگرد جایگزینی واردات کالاهای خارجی، بویژه در بخش کشاورزی که در اکثر کشورهای منطقه به دست فراموشی سپرده شده است، متمرکز گشته است. منطقه خاورمیانه یک واردکننده تمام عیار مواد غذایی است و به رغم تلاش دولتهای منطقه برای پوشاندن این شکاف، آینده‌ای قابل پیش‌بینی نیز این چنین باقی خواهد ماند. صنایع سبک همچنان از حمایت برخوردار است - معمولاً از طریق اقدامات حمایت طلبانه‌ای که حتی در میان دولتهای خلیج فارس نیز در حال فراگیرتر شدن است.

وابستگی شدید به نیروی کار خارجی. هر اقتصاد در حال توسعه بدین تمایل خواهد داشت که عطش به سرمایه، نیروی انسانی مناسب و اشکال برتر تکنولوژی را به وجود آورد. برای توسعه کشورهای منطقه خاورمیانه، آنها در مورد عامل اول خود کفا بوده‌اند، اما در مورد دو عامل بعدی (نیروی انسانی و تکنولوژی برتر) دچار کمبودی جدی بوده‌اند. اینجاست که این اتکال به نیروی کار و تکنولوژی خارجی، مرحله‌ای گذرا نخواهد بود. در شمال افریقا، تنها عرضه نیروی کار ماهر دچار کمبود است، اما در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج، حداقل ۳ میلیون نفر خارجی مشغول کار هستند که طیف وسیعی از مشاغل را تشکیل می‌دهند.

استفاده بیشتر از نیروی کار بومی، مضمون سیاستهای تمامی دولتهای منطقه در خلال بیش از یک دهه گذشته بوده است. مع هذا، نتایج به دست آمده تا کنون، نسبتاً کم است. در شبه جزیره عربستان، طیفی از انگیزه‌ها، ملتها را پیش از ورود به بخشهای تولیدی، برای ورود به خدمات دولتی و بخش تجارت ترغیب می‌کند. در تعدادی از کشورها زنان از فعالیتهای اجتماعی بیشتر و بزرگتر باز داشته و یا دلسرد می‌شوند.

شکاف بین غنی و فقیر. کشورهای خاورمیانه، جز چند کشور، دارای ذخایر معدنی قابل توجهی هستند. اما توزیع منابع معدنی (در منطقه) یکنواخت نیست در نتیجه نرخهای رشد اقتصادی در میان ۲۶ کشور

مورد مطالعه "مید"، به شدت نابرابر است. طی دو دهه گذشته، ریاض از یک شهر عقب مانده و دورافتاده به یک شهر مدرن و پیشرفته مبدل گشته است، و در همین مدت، قاهره درگیر جنگی بدون پیروزی با اضمحلال شهری و افزایش سرسام آور جمعیت خود روبه‌رو بوده است. تقریباً در همه جا اختلاف بین شهر و روستا هیچ‌گاه به میزان فعلی آن نبوده است، که این امر انگیزه غیرقابل مقاومتی را برای مهاجرت به مراکز شهری در میان جوانان و بلندپروازان ایجاد کرده است.

با درآمدهای نفتی‌ای که در سراسر کشورهای منطقه خاورمیانه اساساً در اختیار دولت‌ها قرار می‌گیرد - و در غیاب بخش خصوصی مدرن و قدرتمند - این دولت است که بزرگترین نیروی محرکه توسعه اقتصادی بوده است. حتی در کشورهای متکی بر اقتصاد آزاد در خلیج فارس نیز، شرکت‌های دولتی معمولاً "بر قدرت‌ترین تأثیر را در امور اقتصادی دارا هستند. کاهش درآمدهای نفتی، نوعی نارضایتی از اداره و عملکرد این شرکت‌ها - بویژه در ارتباط با دیوانسالاری آنها، حیف و میل‌هایشان و ارتباط‌های تنگاتنگی که با حکومت دارند - پدید آورده است.

به عنوان یک نتیجه، اقداماتی در دست انجام است که مشارکت بیشتر بخش خصوصی را در امر توسعه تشویق کند. اگر چه این فرایند در مرحله بسیار مقدماتی قرار دارد، ناظران با انتخاب روش‌های نو و عملی برای حل مسائل مربوط به بدان خوشبین هستند. حرکت به سوی عدم تمرکز و چند قطبی کردن نظام اقتصادی، به عنوان یک یاری‌دهنده بالقوه توسعه اقتصادی سالهای پس از رونق تلقی می‌شود.

این موضوعها، پرسش مهمی را برای اکثر کشورهای خاورمیانه مطرح می‌سازد: اگر قرار است آزادسازی اقتصادی اثر مورد انتظار را دربر داشته باشد، آیا خود مستلزم دست‌یازیدن به اصلاحاتی در عرصه سیاست نیست؟ این سوال با کاهش قیمت نفت، پیچیده‌تر نیز شده است. پس از کاهش منابع مالی، نیروی فشاری به وجود آمده است که دولت‌ها کنترل بیشتری را (ته کمتری را) در تمامی ابعاد اقتصادی برقرار کنند.

محدودیت‌های به وجود آمده توسط این تضاد، از هم اکنون آشکار است. این که سرانجام چگونه با این مشکل مقابله می‌شود، ممکن است یکی از بااهمیت‌ترین تصمیماتی باشد که آینده منطقه خاورمیانه را در سالهای پایانی قرن جاری رقم خواهد زد.

